



AP-کنسن

# تله پیمش‌گویی‌های خودکام‌بخش

## بررسی پیامدهای تبادل آتش بین ایران و اسرائیل و تاثیر آن بر آرایش نظامی-سیاسی منطقه خاورمیانه

برای مقابله نظامی با اسرائیل، محدودیت‌ها و فشارهای بیشتری را تجربه خواهد کرد. سوریه کشور دیگری است که می‌تواند عرصه تشدید تنش‌های نظامی ایران و اسرائیل باشد. از یک سو ایران بر آن است تا از خاک سوریه برای تقویت توان حمله به اسرائیل بهره گیرد و به همین سبب افزایش حضور نظامی و حمایت از گروه‌های نظامی مورد حمایت را دنبال خواهد کرد. از سوی دیگر آمریکا و اسرائیل نیز به دنبال قطع امکان ارسال تسلیحات به سوریه هستند. بدین سبب انتظار می‌رود که آمریکا کنترل مرز عراق و سوریه در مرز التنف را با جدیت بیشتر دنبال کند و از سوی دیگر، اقدامات اطلاعاتی-نظامی اسرائیل نیز برای حمله به نیروهای مورد حمایت ایران در سوریه افزایش خواهد یافت. مهتر اینکه تشدید چنین تنش‌هایی دولت بشار اسد را نیز با دشواری‌های فراوانی مواجه خواهد کرد. از یک سو بشار اسد بقاء خود را در قدرت مرهون حمایت‌های نظامی ایران است و از سوی دیگر بر آن است تا با کسب حمایت‌های کشورهای عربی منطقه، بازسازی سوریه را آغاز کند. بی‌تردید کسب هرگونه حمایت مالی برای بازسازی با فشار کشورهای منطقه برای کاهش حضور نظامی ایران در سوریه همراه خواهد بود. باید دید چنین دوگانه‌ای، بشار اسد را در نهایت به سوی کدامین سیاست هدایت خواهد کرد؟

### تقویت متحدان منطقه‌ای آمریکا

آتش‌بس در غزه، اسرائیل، ایران و آمریکا را به تقویت متحدان منطقه‌ای ترغیب خواهد کرد. از یک سو آمریکا می‌تواند با اشاره به تهدید ایران، تسلیحات بیشتر و پیشرفته‌تری را به کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان سعودی ارسال کند. افزون بر این، آمریکا و متحدان این کشور، بی‌تردید تقویت توان اطلاعاتی-دفاعی اسرائیل برای مقابله در برابر هرگونه تهدیدی را تقویت خواهند کرد. فروش هواپیما و جت جنگنده به رژیم صهیونیستی و همچنین تقویت سامانه دفاع موشکی این رژیم مهمترین اقدامات آمریکا و متحدان این کشور خواهد بود. اقدام دیگر، کوشش برای تشکیل یک سامانه دفاع موشکی یکپارچه در منطقه است. آنگونه که از اظهارات آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا در سفر اخیر به عربستان سعودی می‌توان دریافت، واشنگتن می‌کوشد، رژیم صهیونیستی و کشورهای منطقه را برای تشکیل یک سامانه دفاعی مشترک ترغیب کند. هدف از تشکیل این سامانه، ارتقای همکاری دولت‌های منطقه در شناسایی تهدیدات و افزایش سرعت واکنش به این تهدیدات است.

### تقویت همکاری‌های اطلاعاتی-نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه

در پی تحولات اخیر می‌توان انتظار داشت که همکاری‌های اطلاعاتی-نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه افزایش خواهد یافت. کشورهای همچون امارات متحده عربی، بحرین و عربستان همکاری‌های اطلاعاتی-نظامی با رژیم صهیونیستی را تقویت خواهند کرد. گرچه انتظار می‌رود این کشورها به سبب آگاهی از خطرات چنین همکاری‌هایی، اقدامات خود را به‌صورت پنهانی و بدون برانگیختن حساسیت‌های ایران و حتی افکار عمومی داخلی خود انجام دهند. بحران در خاورمیانه، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را در یک «معما امنیتی» دشوار قرار داده است. از یک سو این کشورها در پی کسب کمک‌ها و تسلیحات نظامی پیشرفته‌تر از آمریکا هستند و از سوی دیگر به‌خوبی از این واقعیت آگاه هستند که سربرآوردن هرگونه تنش نظامی بین ایران و اسرائیل، امنیت و منافع اقتصادی این کشورها را با تهدیداتی جدی مواجه خواهد کرد. بدین سبب انتظار می‌رود این کشورها برای مصون ماندن از پیامدهای

در رویارویی با ایران دنبال می‌کنند؛ به همین سبب بر آنیم که نباید درگیر شدن در تحولات پرشتاب نظامی در منطقه، ایران را از نقشه کلان آمریکا و متحدان در منطقه غافل سازد. با بررسی تأثیر تحولات اخیر بر آرایش نظامی-سیاسی منطقه در نهایت به هدف کلان آمریکا در منطقه و در مواجهه با ایران خواهیم پرداخت.

### رویارویی ایران و اسرائیل و آینده آرایش نظامی-سیاسی خاورمیانه

حمله اسرائیل به کنسولگری ایران، حمله مستقیم ایران به اسرائیل و واکنش رژیم به این حمله، آغازگر دور تازه‌ای از تحولات امنیتی در منطقه بحرانی خاورمیانه بوده است. اسرائیل با حمله به کنسولگری ایران در دمشق در پی ارسال این پیام بود که از هیچ‌گونه اقدامی برای بازآوردن در برابر تهدیدات جمهوری اسلامی ایران خودداری نخواهد کرد و ایران نیز با حمله مستقیم به خاک اسرائیل نشان داد دوران «صبر استراتژیک» به پایان رسیده است و از این پس به هرگونه حمله‌ای، پاسخی در خور خواهد داد. حمله ایران به اسرائیل نشان داد که تهران قصدی برای آتش‌افروزی در منطقه ندارد اما همزمان اراده را سخ خود برای پاسخ به هر تهدید احتمالی را نیز اثبات کرد. حاصل این برخورد نظامی، تثبیت این ایده در بین رهبران اسرائیل بود که هر اقدامی برای حمله به ایران می‌تواند افزون بر پاسخ مستقیم تهران، نیروهای نیابتی ایران در منطقه به‌ویژه حزب الله لبنان را به تسلیحات پیشرفته‌تر و تهدیدات بزرگ‌تر علیه رژیم صهیونیستی تجهیز کند. از سوی دیگران ایران نیز نگران تشدید تهدید و ورود آمریکا به یک رویارویی نظامی مستقیم است؛ امری که البته سران واشنگتن نیز برای اجتناب از آن تلاش می‌کنند. با وجود این، گرچه اکنون به نظر می‌رسد طرف‌های درگیر دیگر تمایلی برای تشدید تنش‌ها ندارند، اما آنچه بیش از همه به وضوح می‌توان دریافت این است که تحولات اخیر، آرایش نظامی-امنیتی منطقه را دستخوش دگرگونی کرده است. اکنون طرف‌های منازعه هر کدام بر آنند تا از فرصت حاصل از آتش‌بس کنونی برای تجدید قوا، تقویت و تغییر آرایش نظامی خود در منطقه بهره‌گیرند. به نظر می‌رسد حتی در صورت دستیابی به آتش‌بس دائمی در غزه، می‌توان انتظار سربرآوردن بر خوردهای نظامی بیشتر در منطقه را انتظار داشت. این تشدید تنش‌ها را می‌توان در چند عرصه تجربه کرد:

### حملات بیشتر به نیروهای نیابتی ایران

اسرائیل از فرصت آتش‌بس در غزه برای انجام حملات بیشتر به نیروهای حزب الله و نیروهای مورد حمایت ایران در سوریه استفاده خواهد کرد. آمریکا و متحدان این کشور نیز حملات به انصارالله یمن و گروه‌های شیعی عراقی را از سر خواهند گرفت. افزایش برخورد نظامی اسرائیل با حزب الله، عرصه سیاسی لبنان را نیز با پیامدهایی گریزناپذیر مواجه خواهد کرد. از یک سو به نظر می‌رسد حزب الله لبنان بر آن است تا از گسترش هرگونه برخورد نظامی با اسرائیل به اختلافی سیاسی در داخل لبنان اجتناب کند. از سوی دیگر اسرائیل نیز با آگاهی از این محدودیت حزب الله لبنان، افزایش حملات به خاک لبنان را در مقام یک استراتژی سودمند دنبال می‌کند. این دوگانه ضرورت مقابله با حملات نظامی اسرائیل و اجتناب از تشدید تنش‌های سیاسی، حزب الله لبنان را با انتخاب‌هایی دشوار مواجه خواهد کرد. گرچه به نظر می‌رسد به سبب بحران غزه و اقدامات جنایتکارانه اسرائیل، می‌توان انتظار داشت که افکار عمومی لبنان از اقدامات نظامی حزب الله حمایت کنند، اما با تثبیت یک آتش‌بس دائمی در غزه، حزب الله لبنان نیز



مجید محمدشریفی

استادیار گروه روابط بین‌الملل  
دانشگاه خوارزمی

ایران و اسرائیل آنگونه که انتظار می‌رفت پس از سال‌ها رویارویی غیرمستقیم و «جنگ در سایه» در نهایت بر خوردهای مستقیمی را تجربه کردند. حمله اسرائیل به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق و شهادت چندین از فرماندهان نظامی با حمله پهبادی و موشکی بی‌سابقه ایران به سرزمین‌های اشغالی پاسخ داده شد و در ادامه نیز اسرائیل حمله‌ای را به پایگاه هشتم شکاری اصفهان انجام داد. صرف‌نظر از ابعاد فنی و با عزل‌نظر از ارزیابی موفقیت این دو حمله، آنچه بیش از همه اهمیت دارد در نظر داشتن این واقعیت است که این برای نخستین بار بود که جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل در مقام دشمنانی قسم‌خورده، به‌طور مستقیم خاک یکدیگر را هدف قرار دادند. این رویارویی به سبب وجود عواملی بی‌شمار از جمله عدم تمایل دو طرف در ورود به برخورد نظامی تمام‌عیار، نگرانی‌های کشورهای منطقه و همچنین اقدامات آمریکا و کشورهای اروپایی برای متقاعدکردن ایران برای عدم گسترش بحران، به جنگی فراگیر در منطقه تبدیل نشد. به نظر می‌رسد هر دو طرف، هرکدام بر اساس ارزیابی‌های خود از توان نظامی طرف مقابل و همچنین شرایط داخلی و منطقه‌ای به پایان این دور از برخورد نظامی رضایت دادند.

با وجود این، پویایی‌های حاکم در منطقه و فقدان تکوین یک نظم امنیتی پایدار در خاورمیانه سبب شده است تا بسیاری از تحلیل‌گران، آتش‌بس کنونی ایران و اسرائیل را آرامشی قبل از طوفان تفسیر کنند. به باور ناظران منطقه، برخورد نظامی اخیر ایران و اسرائیل می‌تواند آستان بر خوردهای بزرگ‌تری در آینده باشد. گرچه نمی‌توان چنین احتمالی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر توصیف کرد اما آنچه با اطمینان بیشتر می‌توان پیش‌بینی کرد این است که برخورد نظامی مستقیم ایران و اسرائیل، آرایش نظامی و سیاسی در منطقه را دستخوش دگرگونی خواهد کرد. بی‌آنکه بخواهیم وقوع جنگی بزرگ در منطقه را سرنوشتی محتوم قلمداد کنیم، همین قدر می‌توانیم بگوئیم که در پی تحولات اخیر، الگوهای نظامی و سیاسی حاکم در خاورمیانه تغییراتی مهم را تجربه خواهند کرد. ساختار امنیتی و سیاسی موجود در خاورمیانه به‌در نظر داشت احتمال رویارویی نظامی ایران و اسرائیل متحول خواهد شد و هر یک از کنشگران دخیل خواهند کوشید تا ژئوپلیتیک نظامی و سیاسی منطقه را در راستای منافع امنیتی خود بازسازی کنند و در این بین، ایران و اسرائیل در مقام کنشگران اصلی نظم امنیتی خاورمیانه، ابزارها و نیروهای خود برای شکل‌دهی به یک نظام امنیتی مطلوب را به کار خواهند گرفت. افزون بر این، آمریکا، عربستان سعودی و ترکیه نیز کوشش‌های خود را برای شکل‌دهی به نظم امنیتی نوین خاورمیانه افزایش خواهند داد. این تحولات، آینده ساختار امنیتی-سیاسی منطقه را شکل می‌دهد. با در نظر داشت اهمیت این تحول و پیامدهای اجتناب‌ناپذیر آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران، در این نوشتار بر آنیم تا با تمرکز بر ادراکات رهبران کنشگران دخیل، تحولات احتمالی در آرایش نظامی-سیاسی منطقه خاورمیانه را ترسیم کنیم. در این بین بیش از همه بر تحولات نظامی در منطقه تمرکز و تصویری کلان‌تر را از اهداف قبلی ایران عرضه خواهیم کرد. نویسنده بر آن است که در پس تمامی تحولات حادث در سال‌های اخیر، آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن هدفی کلان‌تر را

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The  
New York  
Times

### عملکرد گروه‌های منتسب به ایران تغییر نخواهد کرد

در شرایطی که با مرگ رئیس‌جمهور و وزیر خارجه ایران در حادثه سقوط هلی‌کوپتر، موضوع جانشینی در ایران در حال‌های از ابهام قرار گرفته است، اما بعید به نظر می‌رسد که مرگ این دو تأثیری بر تلاش‌های ایران برای نمایش قدرت از طریق استفاده از گروه‌های شبه‌نظامی مسلح در سراسر خاورمیانه بگذارد. این گروه‌ها، یعنی حزب الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن و چندین گروه شبه‌نظامی در عراق، ابزارهای ایران هستند تا به‌رغم اینکه دهه‌ها زیر تحریم‌های شدید قرار دارد، بتواند نفوذ خود را بسیار فراتر از مرزهایش اعمال کند. ایران از طریق نیروی قدس، یکی از زیرمجموعه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با این گروه‌ها کار می‌کند. سپاه مستقیماً به رهبر معظم ایران پاسخگو است و نه دولتی که توسط رئیس‌جمهور اداره می‌شود. در نتیجه تحلیل‌گران معتقدند که به‌رغم رقابت‌های داخلی و عدم قطعیت ناشی از مرگ رئیس‌جمهور و وزیر خارجه، تغییر چندان در بسامد حملات و رویکرد کلی این گروه‌ها ایجاد نخواهد شد. همین دوشنبه هفته گذشته شاهد نبردها میان حزب الله و اسرائیل در نزدیکی مرز لبنان بودیم. روز سه‌شنبه گروه‌های عراقی خبر حمله به یک پایگاه نظامی در اسرائیل را اعلام کردند. این خبرها نتیجه تلاش گروه‌های متحد ایران بود که نشان می‌دهند وضعیت مانند گذشته است و تغییری ایجاد نشده است.

ترتیب پارسی، مدیر اجرایی اندیشکده مؤسسه کوئینسی می‌گوید: «از همان پیام‌های نخستی که نظام ایران بعد از سقوط هلی‌کوپتر رئیس‌جمهور مخابره کرد، مشخص بود که می‌خواهند در دوران جانشینی، پیام ثابت را به جهان برسانند و فعالیت‌های این گروه‌ها هم بخشی از همان پیام‌رسانی بود.» پارسی می‌گوید: «ایران به‌خوبی می‌داند که در شرایطی که بیشترین آسیب‌پذیری را داشته باشد، باید نمایش دهند که سیاست‌های نهادی دارند و بر اشخاص متکی نیستند تا نشان داده شود که می‌توانند رویدادهای پیش‌بینی‌نشده را مدیریت کنند.» به گفته کارشناسان برای ایران مهم است که این شرایط را با موفقیت پشت سر بگذارد، چراکه موفقیت در این شرایط نشان می‌دهد که در صورت درگذشت رهبر ایران هم امکان مدیریت شرایط به‌خوبی وجود دارد. امیلی هاردینگ، پژوهشگر اندیشکده مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی معتقد است که چون نیروی قدس این شبه‌نظامیان را مدیریت می‌کند و به آنها سلاح، آموزش و اطلاعات می‌دهد، نباید انتظار داشت که تغییر در عملکرد آنها ایجاد شود. هاردینگ که تحلیل‌گر پیشین آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا (CIA) است، می‌گوید: «ایران هرگونه بی‌نظمی و اختلال داخلی را به‌عنوان فرصتی برای دشمنان می‌بیند، در نتیجه در ۵۰٪ فرصت تا انتخاب رئیس‌جمهور بعدی [بیشتر بار] انویس خواهد بود و به همین دلیل ممکن است محتاطانه‌تر اقدام کند.» به گفته این تحلیل‌گر مشکل اینجاست که اگر در شرایط کنونی نیروهای نیابتی ایران مورد حمله قرار بگیرند، ایران ممکن است تمایل بیشتری به انتقام شدید داشته باشد، تا تصویر ضعف از ایران در خارج از کشور دیده نشود. گروه‌های منتسب به ایران، مستقیماً تصمیم‌گیری اقدامات روزمره را بر عهده دارند و برای ایران مشکل است که بتواند اقدامات آنها را تنظیم کند. در نتیجه خطر جدی سوءمحابسه و ایجاد یک چرخه انتقام جدید وجود دارد. نه ایران و نه آمریکا خواهان یک درگیری مستقیم نظامی نیستند، اما ماه ژانویه دو طرف به چنین وضعیتی نزدیک شدند. گروه‌های منتسب به ایران که خودشان را محور مقاومت می‌خوانند، از آغاز جنگ غزه نشان داده‌اند که توانایی حملات روزمره و ایجاد اختلال را در سراسر منطقه دارند. پاتریک کلاوسون، تحلیل‌گر اندیشکده مؤسسه واشنگتن می‌گوید: «اینکه امیر عبداللهمان به زبان عربی مسلط بود، یک امتیاز مهم محسوب می‌شد. او می‌توانست با آدم‌های محور مقاومت قاطی شود و با آنها صحبت کند و می‌توانست با دیپلمات‌های کشورهایشان هم صحبت کند.» این مسئولیت تا پیش از اینکه ژنرال قاسم سلیمانی در سال ۲۰۲۰ توسط آمریکا ترور شود، بر عهده او بود. اسماعیل قاتنی، جانشین سلیمانی تلاش می‌کند کمتر در چشم‌پاشی و به گفته رهبران گروه‌های مقاومت عربی، صحبت کردن به زبان عربی برای او مشکل‌تر است. با مرگ امیر عبداللهمان، باید دید که بر خن‌ی از این گروه‌ها که در گذشته هم مدیریت آنها برای ایران مشکل بود، چگونه در ادامه عمل خواهند کرد.